

تاج مشکل ویلموتس را حل کند بعد بیاید

پرداخت رقمی بالای ۱۵۰ میلیارد به ویلموتس در حالی که مردم ایران با پارهانه ۴۵ هزار تومانی تنها می‌توانند چند عدد نان سنگک بخرند، انصاف است؟! پولی که قرار است به جیب ویلموتس برود پارهانه چند میلیون ایرانی می‌شود؟ متأسفانه این سرانجام ندانم کاری‌های ما در عقد قرارداد با مربیان و حتی بازیکنان خارجی است. به قول برخی دوستتان ای کاش ما خارج را نمی‌دیدیم تا مربیان خارجی بیایوریم!

هر کاری اصولی دارد، برای آوردن بازیکن یا مربی خارجی چهار، پنج کمیته باید طرف را تأیید کنند، اما از آنجایی که در ایران تصمیمات به صورت شخصی اتخاذ می‌شود، هیچ مربی با بررسی‌های همه‌جانبه بر گزیده نمی‌شود و روند کار اینگونه است که دلالت‌ها اعلام می‌کنند کدام مربی بیکار است و به شرایط شما می‌خورد! وقتی قرار است مربی انتخاب شود، ابتدا باید کمیته فنی او را تأیید کند و سپس به کمیته پزشکی برود و بعد از عبور موفق از این مراحل برای توافقات مالی او را به کمیته مالی ارجاع دهند و در صورت توافقات مالی عقد قرارداد با او در کمیته حقوقی بررسی شود. پس از عبور از این کمیته‌ها، قرارداد باید توسط رئیس مجموعه امضا شود، اما وقتی در ایران با طرف تماس می‌گیریم و حتی قراردادش را در پاکت می‌گذاریم و برایش ارسال می‌کنیم؛ یعنی شرایط را به‌طور کامل برایش فراهم کرده‌ایم که بعد از مدتی به راحتی از ما شاشکی شود و به پول هنگفتی هم برسد. فیفا هم قانونی گذاشته که هر کسی دو ماه حقوق نگیرد، می‌تواند کل مطالباتش را طلب کند و این یعنی حق یا کسی است که حقوقش را نگرفته و رفته، اما آیا تا این اندازه به قوانین اشراف نداریم که کارمان به اینجا می‌کشد؟

هیچ‌کاره بودن کمیته فنی در تصمیم‌گیری‌های فدراسیون ثابت شده، اما آیا همه تقصیرات بر گردن تاج است؟ چه شک باید دید چه کسانی با او در این قرارداد همراهی و نقش داشته‌اند؟ اگر مسئول اصلی تاج است و می‌خواهد دوباره رئیس فدراسیون شود باید قبل از هر چیز پرونده ویلموتس را زیر بحث بگذراند و بگوید اول این را حل کن بعد با پیش بگذار. اگر تاج، ویلموتس را آورده باشد و دیگران نقشی نداشته باشند، خود او باید تاولش را بدهد. اگر دیگران هم او را همراهی کردند، آنها هم باید با او مجازات شوند.

فوتبال اروپا

دنیاحیدری



تمجید نشریه آلمانی از سردار ایران

آزمون ستاره مخفی بوندس لیگاست

زمان زیادی برد تا سردار آزمون از روسیه دل بکند و فوتبالش را در اروپا ادامه دهد. بعد از مطرح شدن نام تیم‌های بسیار در هر سال، سرانجام این بازیور کوزن بود که موفق به جذب مهاجم ملی‌پوش ایران شد. بازیکن مستعدی که خیلی زود در فوتبال منضبط آلمان جاافتاد، به‌طوری‌که نشریه «بلید» آلمان طی گزارشی علاوه بر معرفی مهاجم ایرانی لور کوزن از او به عنوان اسلحه این ملی‌پوش به بایرن نام می‌برد تا تأکید می‌کند این کاری است که آزمون خوب بلد است. حضور در فوتبال آلمان و جای گرفتن در بین قوانین منضبط، خشک و جدی آن کار ساده‌ای نیست. با این وجود فوتبال ایران، لژیونرهای مطرح در فوتبال آلمان داشته و بعد از نفراتی چون دایی، کریمی و باقری این‌بار نوبت آزمون جوان است که در بوندس لیگا بدر خشد. کاری که بی‌هیچ تردیدی ساده نیست. با این وجود از تمجید نشریه ورزشی آلمان این‌طور برمی‌آید که مهاجم گنبدی ایران قدم‌های خوب و مهمی در این مسیر برداشته است.

اما تمایز حضور سردار با دیگر لژیونرهای ایران در بوندس لیگا این است که او به همان اندازه، که در زمینه فوتبال توانسته سری در سراها آورد در زمینه اسب به خصوص اسب مسابقه نیز سرآمد است و بسیاری از دوستداران او خوب می‌دانند که تمرکز این بازیکن ۲۷ ساله تنها روی فوتبال نیست و هم‌زمان با آن به‌طور کامل‌اجدی پیگیر ۵۲اسب مسابقه‌ای است که دارد و در کمال ناباوری می‌گوید که نام تک‌تک آنها را می‌داند و این مسئله‌ای است که باعث تمایز لژیونر جوان فوتبال ایران در آلمان شده است، به‌طوری‌که نشریه بلید پیش از فوتبال به علاقه او در زمینه اسب پرداخته است. علاقه‌ای که باعث می‌شود سردار در سن ۱۷سالگی نخستین اسب خود را خریداری کند، اما علاقه به اسب‌سواری و مسابقات اسب‌سواری مانع از پیشرفت او در فوتبال نشده است و او بعد از سال‌ها حضور موفق در فوتبال روسیه، حالا از نسوی نشریه مطرح آلمانی به عنوان ستاره مخفی بوندس لیگا خوانده می‌شود. ستاره‌ای که به‌زم این نشریه ورزشی اگر بتواند در مصاف با انگلیس، امریکا و ولز در جام جهانی قطر موفق عمل کند و حضور در یک‌هشتم نهایی بزرگ‌ترین رویداد فوتبال دنیا را تجربه کند، دیگر یک ستاره مخفی در بوندس لیگا نخواهد بود. هر چند با توجه به پیشنهادهای مختلف از تیم‌های مطرح اروپایی طی سال‌های اخیر، آزمون چندان هم ستاره مخفی نیست، اما بی‌شک حضورش در فوتبال آلمان و موفقیت در لور کوزن می‌تواند او را بیش از پیش در فوتبال دنیا مطرح کند، خصوصاً که بسیاری از او به عنوان اسلحه لور کوزن مابین قابل یاد می‌کنند.

البته سردار هم از حضورش در فوتبال آلمان و توب زدن برای لور کوزن رضایت کامل دارد و در این مدت توانسته از تباط خوبی با تیم و هوادارانش برقرار کند: «لور کوزن بهترین تیم باشگاهی است که تا به حال در آن بازی کرده‌ام. من هرگز ندهادم که باشگاهی با این حد از احترام به یکدیگر به این اندازه حرف‌های کار کند. وقتی بازیکن جدیدی می‌آید، هیچ وقت احساس غریبی نمی‌کند. شخصاً بلافاصله احساس کردم که در خانه هستیم.»

اما شاید آنچه باعث شده نشریه بلید طی گزارشی مفصل به سردار آزمون بپردازد، شناخت خوبی است که در این مدت کم هواداران آلمانی از او به دست آورده‌اند: «در سرزمین مادری او، توضیح اضافی لازم نیست، اما حال‌در آلمان نیز بسیاری از هواداران فوتبال او را می‌شناسند. مهاجم ۲۷ساله‌ای که فوق‌ستاره بوندس لیگاست با ۴/۸ میلیون دنبال‌کننده در اینستاگرام و البته جلوتر از منس هوملز (۴،۱۳۳ میلیون) و این تنها بخشی از چیزی است که باید در مورد او بدانید...»

مهاجم ملی‌پوش ایران که علاوه بر حضور فعال در فوتبال و اسب‌سواری، دستی هم در والیبال داشته و سابقه حضور در تیم ملی زیر ۱۵ساله‌های ایران را هم دارد، هفته گذشته در کمپ تمرینی لور کوزن هنر والیبال خود را نشان داد و نه تنها ثابت کرد که هنوز والیبال را به دست فراموشی نسپرده که بار دیگر نگاه‌ها را به خود جلب کرد، خصوصاً که بعد از روستوف و زینت، بایر سومین باشگاهی است که آزمون در لیگ قهرمانان اروپا با آن به میدان می‌رود و بی‌شک این فرصت خوبی برای آزمون است تا توانمندی‌هایش را در معرض نمایش بگذارد.

یکشنبه ۹ مرداد ۱۴۰۱ | ۲ محرم ۱۴۴۴

ورزش‌شیر

سرویس ورزشی ۸۸۴۹۸۴۳۹



روزی که به استقبالش رفتند، گفتند معمار فوتبال بلژیک را آورده‌ایم. با خنده و دستسه گل رفتند تا به‌زم خودشان برای تیم ملی بساکی‌روش یک منجی آورده باشند.

مهدی تاج و اطرافیانش آن روزها از عقد قرارداد خوب سخن می‌گفتند، قراردادادی که قرار بود فوتبال ایران را هم مثل فوتبال بلژیک متحول کند، اما آقایان یادشان بود که همه چیز چنلنم بلژیکی را چک کنند. یادشان رفته بود که او نه تنها جزو ۹مربی برتر دنیا نیست که در جمع ۵۰ نفر هم جا ندارد. چشم بستند بر واقعیت‌ها و حالا ضررش را با بد بیت‌المال بهد؛ ۱۸۰ میلیارد و ۷۲۵میلیون تومان، ضرری که همین آقایان خندان و رئیس آن روزهای شان، یعنی مهدی تاج به بیت‌المال وارد کردند.

این روزها تاج هوس کرده دوباره رئیس شود، حتماً فقای قدیم و زمان ریاستش هم سب‌داهایی در سر دارند، بالاخره رفیق گرمابه و گلستان تاج بوده‌اند و با هم لقمه می‌زدند. پس بعید نیست در ریاست دوباره او بر فدراسیون فوتبال دوباره شاهد حضور همین آدم‌ها باشیم برای ثبت قراردادهای مشابه قرارداد مارک ویلموتس.

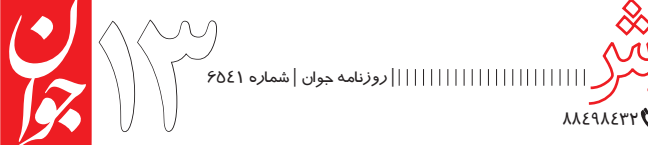
تاج هوس ریاست به سرش زده، بی‌خیال مشکل قلبی و تجویز دکتر برای دوری از فوتبال و سلام هم شده، چرا چون دیده همه تهدیدها و توبیخ‌ها فقط در جد حرف بوده، مثل تیز مشقی که فقط صدا دارد. یک مدتی مثلاً در اثر فشارها کارش به بیمارستان کشید، اما وقتی خبر دیدی نیست باز گشت و حالا دم از تحول در فوتبال می‌زند! حالا ما می‌برسیم تحول یا تهوع؟ نوع بر خورد تاج

با افکار عمومی چنان تپوع آور است که گویا به مردم با چشمی دیگری می‌نگرد.

□□□

تاج این روزها شکسته شدن میزان خسارات گندی که در ماجرای ویلموتس به بار آورده را برای خودش یک پیروزی بزرگ قلمداد می‌کند و اطرافیانش هم در بوق آن می‌دمند تا مثل همان زمان همه را فریب دهند. همگی هم همصدا وزیر سابق ورزش و معاون اول رئیس‌جمهور وقت را مقصر اصلی معرفی می‌کنند و «حیای» خود در این سه ساله را به رخ مردم می‌کشند. کسی نیست بپرسد چرا! این حیا همان زمان جلوی شمار انگرفت. جالب اینکه خاصه خرجی می‌کند و می‌گوید فیفا پرداخت می‌کند. راستی وقتی تریبون در اختیارش گذاشتند و این حرف را زد باز کسی پیدا نشد، بپرسد مگر فیفا از جیب خودش می‌دهد. کسی نرسید که این چه پولی است که فقط تاج می‌تواند فیفا را مجاب به برداشت از آن کند، چه زمانی که پول کی‌روش را می‌داد و چه حالا که می‌خواهد خسارات گند مدیریتی‌اش در ماجرای ویلموتس را بدهد!

تاج همچنان بسا وقاحت تمام این‌سر هنگفت را یک قرارداد خوب عنوان می‌کند، همراهانش هم همین‌طور. همان‌ها که رفتند به استقبال ویلموتس و شند آنچه همه دیدیم. همان‌ها امروز هم معتقدند که ویلموتس معمار فوتبال بلژیک بوده است. بنابراین مبلغی که به او پرداخت شده چندان زیاد هم نیست. حالا شما بگویید چطور پرداخت ۵/۵میلیون یورو به مردی که در خوشبینانه‌ترین حالت فقط ۲۵۰ هزار یورو می‌ارزد، زیاد نیست!



روزنامه جوان | شماره ۶۵۴۱



رئیس سابق و رقفا این روزها سخت در تلاشند تا هر طور شده افکار غلط و پرزه‌پنه خودشان را درست جلوه دهند و متأسفانه در این

میان هنوز هیچ نهاد نظارتی و مسئولی پیدا نشده تا یک‌بار به آنها بگوید اصلاً صلاحیت حضور در میدان انتخابات را ندارند و باید در دادگاه پاسخگوی سوءمدیریت خود باشند، نه اینکه برای ریاست دوباره بر فوتبال نقشه بکشند و خود را ناجای آن معرفی کنند. آنها امروز در تلاشند تا از پروژه شکسته شدن رأی ویلموتس یک پیروزی بزرگ برای خود پتراشند و در رسانه‌ها اینگونه وانمود کنند که تنها راه نجات فوتبال به ریاست رسیدن دوباره آنهاست.

□□□□

فراموش نکنیم که مهدی تاج در این بازی کیفی تنها نیست. او و همفکرانش برای فوتبال ایران نقشه‌ها در سر دارند و حتماً لقمه بزرگی برای خود تهیه دیده‌اند که حتی نارسایی قلبی را هم بی‌خیال می‌شوند و می‌آیند تا باز هم با اعصاب و روان مردم بازی کنند. یادمان نرود که تاج در روزهایی که سخت زیر ذره‌بین قرار داشت ناگهان و به دروغ سر از بیمارستان درآورد و دوستانش با نگرانی به عیادتش رفتند. همان‌ها که حالا خود را آماده می‌کنند تا با ریاست دوباره او بر فوتبال باز هم جلو بیفتند و یک ویلموتس هنوز اصرار دارند که با ویلموتس هم خوب قرارداد بسته‌اند و هم پول زیادی به او نداده‌اند!

دیر بچینیم فوتبال ایران متحمل یک شکست دیگر می‌شود و باید شاهان این باشیم که هواداران ویلموتس و قراردادش یک اقتضاح دیگر ا به بار بیایورند.

آرزوی بهترین ووشوکار ماه برای حضور در المپیک



صعود به کی ۲ (k2)، دومین بلند بله روی زمین پس از اورست با ارتفاع ۸ هزار و ۶۱۱ متر از سطح دریا که در بین کوهنوردان به عنوان کشنده‌ترین و پرتلقت‌ترین قله مشهور است کار ساده‌ای نیست، اما نه برای ایمان احمدپور که با شعار «کوهنوردی به سبک کوهنوردی» تصمیم به فتح این قله گرفت: «k۲ قله‌خشنی است که برانی‌های معدودی موفق به فتح آن شدند. با این وجود توانستم به لطف خدا بدون کمک شریا و کپسول اکسیژن به این قله که در منطقه قرقورم در رشته‌کوه‌های هیمالیا و در شمال شرقی پاکستان قرار گرفته و دارای فنی‌ترین و سخت‌ترین مسیر صعود در جهان است صعود کنم، اما متأسفانه در راه دوست خوبم علی اکبر سخی از افغانستان را از دست دادم که من به یاد او پرچم افغانستان را نیز به قله بردم و یاد او و تمام فارسی‌زبانان دنیا را گرمی داشتم.»

افتتاح خانه کشتی روستای «ارمو»

حبیبی قهرمان کشتی آسیا، رئیس سابق انستیتو، سرپرست و مربی سابق تیم ملی و جمعی از اهالی کشتی‌دوست استان ایلام حضور داشتند. این حرکت فرهنگی توسط مؤسسه فرهنگی هنری خادمین علی‌ابن‌ابیطالب انجام شده است.

مؤسسه خادمین علی‌ابن‌ابیطالب به همت رسول خادم، قهرمان کشتی جهان و المپیک تشکیل شده و علاوه بر چهره‌های هنری، بسیاری از ورزشکاران شناخته‌شده و مدال‌آور کشورمان نیز حضور دارند. این جمع از ورزشکاران با یاری افسار دیگر مردم با جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیرنقدی به مناطق محروم می‌روند و کمک‌ها را به دست مردم نیازمند می‌رسانند. در حقیقت آنها با سرکشی به نقاط کم‌برخوردار تلاش می‌کنند با حداکثر توان و با یاری گرفتن از همه افساربخشی از مشکلات موطنان خود را مرتفع کنند. ساخت خانه کشتی در



صعود به کشنده‌ترین قله بدون شریا و کپسول اکسیژن

صعود به کی ۲ (k2)، دومین بلند بله روی زمین پس از اورست با ارتفاع ۸ هزار و ۶۱۱ متر از سطح دریا که در بین کوهنوردان به عنوان کشنده‌ترین و پرتلقت‌ترین قله مشهور است کار ساده‌ای نیست، اما نه برای ایمان احمدپور که با شعار «کوهنوردی به سبک کوهنوردی» تصمیم به فتح این قله گرفت: «k۲ قله‌خشنی است که برانی‌های معدودی موفق به فتح آن شدند. با این وجود توانستم به لطف خدا بدون کمک شریا و کپسول اکسیژن به این قله که در منطقه قرقورم در رشته‌کوه‌های هیمالیا و در شمال شرقی پاکستان قرار گرفته و دارای فنی‌ترین و سخت‌ترین مسیر صعود در جهان است صعود کنم، اما متأسفانه در راه دوست خوبم علی اکبر سخی از افغانستان را از دست دادم که من به یاد او پرچم افغانستان را نیز به قله بردم و یاد او و تمام فارسی‌زبانان دنیا را گرمی داشتم.»



■ اشرف رامین

به همت جمعی از ورزشکاران روستای «ارمو» شهرستان دره‌شهر استان ایلام صاحب‌خانه کشتی شد. چهره‌های نامدار کشتی ایران

قالب

میشم زارع در مسیر بازگشت به تشک



کشتی‌گیر کنگاوری با پشت سر گذاشتن روزهای سخت بیماری و دوران نقاهت به‌س زودی به میادین ورزشی باز خواهد گشت. میشم زارع آبان‌ماه سه سال پیش در حالی‌که از باشگاه ورزشی به خانه‌باز می‌گشت به علت تصادف از ناحیه گردن دچار آسیب نخاعی شدید شد. او که مدال برنز مسابقات جهانی ۲۰۱۷ را با مصدومیت شدید بد مینیسک و شکیبه چشم به گردن آویخته در صفحه شخصی‌اش فیلمی از راه رفتنش را منتشر کرد: «در حالی‌که همه چیز برای من تمام شده بود به لطف خدا و تلاش خودم (که خیلی سختی کشیدیم و پاره‌ازندگی‌ام به آخر رسید، ولی دست از تلاش بر نداشتم) توانستم به شرایط خوبی برسم و انگیزه بگیرم. امیدوارم با دعای خیر شما مردم عزیز بتوانم به زودی به تشک کشتی برگردم.»

ایستگاه

شوناوروری

پشتوانه‌سازی راه نجات بسکتبال ملی

عدم توجه به تیم‌های پایه و پرورش استعدادهای جوان تأثیر مستقیمی در عملکرد تیم‌های ملی دارد. هر چقدر که فدراسیون‌ها برای این مسئله ارزش قائل شوند و برنامه‌ریزی کنند به همان اندازه ثمرش را می‌بینند. اگر هم از آن غافل شوند چیزی جز ناکامی، شکست و حذف تیم ملی نصب‌شان نمی‌شود.

بسکتبال ملی چند سالی است از روزهای خوب فاصله گرفته و دیگر نمی‌تواند ادعای آقای آسیا را داشته باشد. نزدیک به یک دهه از آخرین قهرمانی‌مان در قاره کهن می‌گذرد و در این دوره نیز تیم‌ملی بسکتبال کشورمان نه‌تنها در کاپ آسیا به فینال نرسید و جام نگرفت، بلکه از یک‌چهارم نهایی هم بالاتر نیامد. دردناک‌تر اینکه این تیم آردن بود که حذف تیممان را رقم زد. آخرین بار در سال ۲۰۱۳ با آن نسل طلایی روی سکوی قهرمانی رفتیم و جشن گرفتیم، ولی باید از زودتر از اینجا می‌پذیرفتیم دیگر خبری از آن نسل نیست. اغلب ملی‌پوشان آن تیم بارنقشه‌شدند و با یکی، دو نفر باقیمانده نیز به دهه چهارم زندگی‌شان رسیدند و عملاً نمی‌توان انتظاری زیادی از آنها داشت. حامد حدادی اگر چه همچنان در لیگ چین حضور دارد و در تورنمنت اخیر هم کاپیتان بود و هم کلیدی‌ترین مهره تیم، ولی او نیز دیگر درخشش گذشته را ندارد

و قطعاً نباید بار همه تیم‌ار روی دوش حدادی انداخت. متأسفانه این اشتباه غلط سال‌هاست دامن بسکتبال را گرفته و مشکلات مدیریتی هم به شدت به آن دامن زده است. دود تفکرات اشتباه، اختلافات داخلی و سوءمدیریت‌های چشم‌تیم‌ملی رفته و در شرایطی که سایر رقبا مدت‌هاست از ما پیشی گرفتند مجبوریم شاهد پیشرفت‌های آنها باشیم. در سال‌هایی که بیش از اندازه روی نسل طلایی تأکید می‌شد، کسی حواسش نبود بهترین‌ها هم روزی با به سن می‌گذرند و چاره‌ای جز استفاده از نیروهای جوان نیست، اما مگر به نسل جوان فرصت عرض اندام داده شد و برای حضور در تورنمنتی چون کاپ آسیا آماده شده‌اند که یک

شبه از آنها انتظار درخشش داریم. مقایسه کردن رشته‌ها کار حرفه‌ای نیست، ولی الگو گرفتن از فدراسیون‌های موفق و تیم‌هایی که علاوه بر آسیا در جمع بهترین‌های جهان حضور دارند قابل دفاع است. والیبال بسکتبال باشد تا ما پیشی گرفتند مجبوریم شاهد پیشرفت‌های آنها باشیم. در سال‌هایی که بیش از اندازه روی نسل طلایی تأکید می‌شد، کسی حواسش نبود بهترین‌ها هم روزی با به سن می‌گذرند و چاره‌ای جز استفاده از نیروهای جوان نیست، اما مگر به نسل جوان فرصت عرض اندام داده شد و برای حضور در تورنمنتی چون کاپ آسیا آماده شده‌اند که یک شبه از آنها انتظار درخشش داریم. مقایسه کردن رشته‌ها کار حرفه‌ای نیست، ولی الگو گرفتن از فدراسیون‌های موفق و تیم‌هایی که علاوه بر آسیا در جمع بهترین‌های جهان حضور دارند قابل دفاع است. والیبال بسکتبال باشد تا ما پیشی گرفتند مجبوریم شاهد پیشرفت‌های آنها باشیم. در سال‌هایی که بیش از اندازه روی نسل طلایی تأکید می‌شد، کسی حواسش نبود بهترین‌ها هم روزی با به سن می‌گذرند و چاره‌ای جز استفاده از نیروهای جوان نیست، اما مگر به نسل جوان فرصت عرض اندام داده شد و برای حضور در تورنمنتی چون کاپ آسیا آماده شده‌اند که یک

شبه از آنها انتظار درخشش داریم. مقایسه کردن رشته‌ها کار حرفه‌ای نیست، ولی الگو گرفتن از فدراسیون‌های موفق و تیم‌هایی که علاوه بر آسیا در جمع بهترین‌های جهان حضور دارند قابل دفاع است. والیبال بسکتبال باشد تا ما پیشی گرفتند مجبوریم شاهد پیشرفت‌های آنها باشیم. در سال‌هایی که بیش از اندازه روی نسل طلایی تأکید می‌شد، کسی حواسش نبود بهترین‌ها هم روزی با به سن می‌گذرند و چاره‌ای جز استفاده از نیروهای جوان نیست، اما مگر به نسل جوان فرصت عرض اندام داده شد و برای حضور در تورنمنتی چون کاپ آسیا آماده شده‌اند که یک

شبه از آنها انتظار درخشش داریم. مقایسه کردن رشته‌ها کار حرفه‌ای نیست، ولی الگو گرفتن از فدراسیون‌های موفق و تیم‌هایی که علاوه بر آسیا در جمع بهترین‌های جهان حضور دارند قابل دفاع است. والیبال بسکتبال باشد تا ما پیشی گرفتند مجبوریم شاهد پیشرفت‌های آنها باشیم. در سال‌هایی که بیش از اندازه روی نسل طلایی تأکید می‌شد، کسی حواسش نبود بهترین‌ها هم روزی با به سن می‌گذرند و چاره‌ای جز استفاده از نیروهای جوان نیست، اما مگر به نسل جوان فرصت عرض اندام داده شد و برای حضور در تورنمنتی چون کاپ آسیا آماده شده‌اند که یک

شبه از آنها انتظار درخشش داریم. مقایسه کردن رشته‌ها کار حرفه‌ای نیست، ولی الگو گرفتن از فدراسیون‌های موفق و تیم‌هایی که علاوه بر آسیا در جمع بهترین‌های جهان حضور دارند قابل دفاع است. والیبال بسکتبال باشد تا ما پیشی گرفتند مجبوریم شاهد پیشرفت‌های آنها باشیم. در سال‌هایی که بیش از اندازه روی نسل طلایی تأکید می‌شد، کسی حواسش نبود بهترین‌ها هم روزی با به سن می‌گذرند و چاره‌ای جز استفاده از نیروهای جوان نیست، اما مگر به نسل جوان فرصت عرض اندام داده شد و برای حضور در تورنمنتی چون کاپ آسیا آماده شده‌اند که یک

تأکید دوباره بر اعزاز کیفی به هاگزو

محمد تابع، دبیر کل کمیته ملی پارالمپیک در گفت‌وگو با مهر بار دیگر بر سیاست اعزاز کیفی ورزشکاران به بازی‌های پارآسیایی هاگزو تأکید کرد: «باوجود لغو بازی‌های پارآسیایی در زمان اولیه، اردوهای آمادسازی رشته‌های مختلف را تعطیل نکردیم و تا امروز پیگیر آنها بودیم، اما با در نظر گرفتن تأکید که بر برگزاری قطعی بازی‌ها شده است، قطعاً از این پس با جدیت و نظم بیشتری اردوهای آماده‌سازی را دنبال خواهیم کرد. اینگونه مقرر شده بود که مدال‌آوری شرط اعزاز باشد، حالا هم تغییر در برنامه‌ها و سیاست‌هایمان ایجاد نشده است. با در نظر گرفتن مدال طلا، نقره و برنز و شن شدن دستپایی به آن ارزیابی وضعیت ورزشکاران و گزینش آنها را دنبال می‌کنیم.»

محمد تابع، دبیر کل کمیته ملی پارالمپیک در گفت‌وگو با مهر بار دیگر بر سیاست اعزاز کیفی ورزشکاران به بازی‌های پارآسیایی هاگزو تأکید کرد: «باوجود لغو بازی‌های پارآسیایی در زمان اولیه، اردوهای آمادسازی رشته‌های مختلف را تعطیل نکردیم و تا امروز پیگیر آنها بودیم، اما با در نظر گرفتن تأکید که بر برگزاری قطعی بازی‌ها شده است، قطعاً از این پس با جدیت و نظم بیشتری اردوهای آماده‌سازی را دنبال خواهیم کرد. اینگونه مقرر شده بود که مدال‌آوری شرط اعزاز باشد، حالا هم تغییر در برنامه‌ها و سیاست‌هایمان ایجاد نشده است. با در نظر گرفتن مدال طلا، نقره و برنز و شن شدن دستپایی به آن ارزیابی وضعیت ورزشکاران و گزینش آنها را دنبال می‌کنیم.»